

## بسمه تعالی

### آسیب شناسی تعاملات انسانی در جامعه ایران

تقریر سخنرانی و بیناری سید حسین شرف الدین در جلسه ارائه بسته پیشنهادی به دولت سیزدهم تحت عنوان «بسته راهبردی مواجهه با آسیب های اجتماعی با رویکرد اسلامی»، انتشار یافته در کتابی با همین نام توسط دانشگاه شاهد در تابستان ۱۴۰۰ (ص ۲۹-۳۶).

«تعامل» سنگ بنای جامعه است. به تعبیر برخی جامعه شناسان، «ما همه موجوداتی در رابطه هستیم». در چارچوب همین ارتباطات، زندگی می کنیم، تاثیر و تاثر می یابیم، معنا تولید و تبادل می کنیم، شکوفا می شویم و هویت می یابیم. همه دستاوردهای فرهنگی و تمدنی ما نیز از رهگذر همین تعاملات عاید شده است. هر تعاملی در ظرف یک رابطه بوقوع می پیوندد. به بیان دیگر، هر رابطه ای، نوع متناسبی از تعامل و ارتباط را اقتضا می کند. از این رو، به تعداد میدانها و قلمروهای رابطه ای، ما خطوط تعاملی ممکن داریم. برای مثال، رابطه زن و شوهری، نوعی ارتباط و تعامل متفاوت از رابطه کارگر و کارفرمایی و معلم و شاگردی اقتضا می کند. از جمله آسیب های شایع در هر جامعه، بروز اختلال در خطوط ارتباطی و تعاملی عموم در سطوح و ساحت های مختلف اجتماعی است.

شواهد عینی و تجربه های زیسته عموم افراد در جامعه ایران از بروز برخی اختلالات محسوس در کمیت و کیفیت ارتباطات انسانی در میدانهای مختلف حکایت دارد. بروز این اختلال بویژه در ارتباطات درونی گروههای اولیه مثل خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکاران، همسایگان و دیگران عام (که روابط اصیل و کانونی آنها عمدتاً از نوع غیر رسمی، عاطفی، اخلاقی، غیر انتفاعی و فراغتی است) و کاهش انگیزه افراد برای تعهدمندی به رعایت اقتضائات ارتباطی در این چرخه، آشکارتر از آن است که نیازی به استدلال و ارائه شواهد داشته باشد. با تمام وجود می توان تغییرات غیر منتظره بوقوع پیوسته در ارتباطات این شبکه بالاخص در سطح خانواده و خویشاوندی را احساس کرد. در گستره اجتماع و در سطح ارتباطات سازمانی و درون سازمانی (روابط رسمی و نیمه رسمی در گروههای ثانوی) نیز همه شواهد از سطحی شدن و تنک مایگی، غلبه عقلانیت ابزاری، غلظت نگرش مبادلاتی، منفعت مداری (مادی) و خود محوری، و... روابط انسانی در این قلمرو حکایت دارد.

تلقی آسیب شناسانه از این وضعیت بویژه در سطح گروههای اولیه به دلیل عوارض و هزینه های مادی و غیرمادی فراوان و بعضاً جبران ناپذیری است که این وضعیت مستقیم و غیرمستقیم بفرایندهای جامعه

پذیری و تربیت اجتماعی، همدلی و همنوایی جمعی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های متقابل، مراقبت و کنترل اجتماعی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی، تعاون و همبستگی اجتماعی، مشارکت جمعی در توسعه اجتماعی، همکاری و معاضدت اجتماعی، مهار تنش‌ها و تعارضات اجتماعی و... تحمیل می‌کند.

تردیدی نیست که کم و کیف ارتباطات و تعاملات انسانی، همواره آشکارترین جلوه و بارزترین نمایشگر زیرساخت‌های اعتقادی، ارزشی، هنجاری و بن‌مایه‌های اصیل یک فرهنگ محسوب می‌شود. متقابلاً بروز هر نوع تغییر فرسایشی در لایه‌های رویین یک فرهنگ و جلوه‌های رفتاری آن، از بروز تغییراتی متناسب در لایه‌های بنیادین و عناصر کانونی آن فرهنگ خبر می‌دهد. بروز این وضعیت اگر برای یک جامعه سکولار امری عادی و مقتضای پیشروی بی‌وقفه جامعه در فرایند مدرنیزاسیون تفسیر شود، برای جامعه ما به دلیل ظرفیت‌ها و زمینه‌های سنتی و مذهبی کهن بنیاد و اهداف و آرمانهایی که محرک او به ایجاد انقلاب اسلامی و بازسازی جامعه دینی و استقرار نظام ولایی شد؛ جز خسارت و انحطاط و رویگردانی عملی از آرمانهای دینی و انسانی تفسیری ندارد.

### نشانگان این وضعیت آسیبی

کاهش ارتباطات انسانی و اخلاقی (متناسب با سطح انتظار)، غلبه تعاملات خنثی در مقایسه با تعاملات عاطفی، غلبه تعاملات عاطفی سرد و منفی (تعاملات توأم با تنش، تعارض، خشونت، اکراه، نفرت و...) در مقایسه با تعاملات عاطفی گرم و مثبت (تعاملات همراه با هیجانات خوشایند و مطلوب)، کاهش پیوندهای صمیمی با دوام، کمبود فرهنگ گفت و گو و تعاملات گفتاری سازنده، ضعف اعتماد متقابل (به عنوان برجسته‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی)، کثرت پرونده‌های قضایی، کثرت و تنوع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، افزایش آمار طلاق، افزایش میزان خودکشی، ضعف تمایل به شراکت و کار جمعی، ضعف پایبندی به تعهدات اجتماعی، فرار گسترده مالیاتی، کم‌توجهی به حقوق ارحام و خویشان (و عادی شدن موضوع قطع رحم)، وجود تعارضات آشکار در روابط والدین و فرزندان و فرزندان با یکدیگر، شیوع دوستی‌های ناپایدار، ضعف توجه به حقوق همسایگان، میل به قانون‌گریزی، ضعف وجدان‌کاری، ضعف تعهد به وظایف شغلی و سازمانی، ضعف التزام به رعایت ارزشهای اخلاقی، میل به پنهانکاری، تاکید بر حریم خصوصی و بسط روزافزون قلمرو آن، ترجیح ارتباط در فضای مجازی بر ارتباط در فضای حقیقی، میل به خاص‌گرایی به جای عام‌گرایی، غلبه نگاه ابزاری به دیگران به جای نگاه اظهاری (خواستن افراد به خاطر خود آنها)، انس و الفت روزافزون با حیوانات خانگی، میل وافر به عصیان مدنی و...

### علل و عوامل فردی و ساختاری بروز این وضعیت

فردگرایی خودخواهانه، کم توجهی به اقتضائات حیات جمعی و ملزومات قهری آن، میل به واگرایی و فاصله‌گزینی از دیگران، بروز اختلاف در بنیادهای فرهنگی مشترک (باورها، ارزش‌ها، هنجارها، اهداف، آرمانها، انگیزه‌ها)، بروزشکاف‌های درون‌نسلی و بینا‌نسلی (و عدم انتقال میراث فرهنگی و تجربه‌های زیستی)، گریز طبیعی از مسئولیت‌ورزی و ایفای تعهدات مدنی، اصالت‌یابی حریص خصوصی و بسط روزافزون آن و در نتیجه ممنوعیت دیگران برای ورود به این محدوده، افزایش بی‌اعتمادی (و احساس ناامنی از ارتباط و اتکای به دیگران)، کثرت و شیوع آسیب‌ها و خوف دائم از ابتلای به انواع مختلف آن، عدم اعتماد کافی به افراد در پابندی به تعهدات و میثاق‌های مشترک، زندگی در شهرهای بزرگ و تعامل ناخواسته با گروه‌ها و جریانات مختلف، پرهزینه بودن برخی ارتباطات مثل ارتباطات خویشاوندی، وابستگی به سازمان‌های رسمی به جای مردم‌عادی (دوستان، خویشان، همسایگان)، احساس بی‌نیازی از عموم (از جمله خویشاوندان و دوستان)، ضعف سرمایه فرهنگی (کاهش میزان آگاهی و تعهد عملی به آموزه‌های دینی، اخلاقی و معنوی و... بویژه غفلت از آثار وضعی و پیامدهای پنهان اعمال و رویه‌های فردی و بازتاب آن در گستره حیات جمعی)، رواج پلورالیسم فرهنگی و اعتقادی و کاهش میزان اشتراکات فرهنگی (باورها، ارزشها، ذهنیات و آرمانها)، تجربه وضعیت‌های آنومیک در جامعه بویژه در شهرهای بزرگ (عدم اطلاع از قوانین، فقدان قانون، تعارض قوانین، سوء تفسیر قوانین، تغییر مکرر قوانین، عدم ضمانت اجرای قوانین، منقضی شدن تاریخ اعتبار قوانین)، کاهش موقعیت مراجع ارزشی و دیگران مهم در جامعه، مرجعیت‌یابی سلبریت‌ها و چهره‌های فاقد اصالت فرهنگی، تغییرات اجتماعی شتابان، بروز شکاف بینا‌نسلی و احساس خلاء فرهنگی، مهاجرت گسترده بویژه از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ (بدون رعایت اقتضائات فرهنگی و مدنی آن)، تکاپوی دائم برای تامین مایحتاج و کاهش فرصت و فراغت، غلبه تدریجی سبک زندگی غربی، تاثیر پذیری شدید از فرهنگ سرمایه‌داری و جامعه مصرفی، غلبه عقلانیت ابزاری و تسری آن به ساحت‌های مختلف زندگی، حضور زیاد در فضای مجازی و عدم فرصت کافی برای انجام تعهدات اجتماعی و اخلاقی، ناامیدی از اصلاح امور و بهبود اوضاع، وجود فاصله‌های طبقاتی و فاصله‌های اجتماعی در جامعه، وجود تبعیض‌های ناروا و توجه ناپذیر در گستره جامعه، سرخوردگی از اجرای سیاست‌های ناکارآمد دولت، وجود فساد ساختاری در جامعه، فقدان عدالت توزیعی در امکانات و داشته‌های مورد نیاز جمع، ضعف حمایت دولت از اقشار آسیب‌پذیر و...

## راهکارهای پیشنهادی

۱. اصلاح فرایندهای جامعه پذیری، آموزش و ترویج مهارت های ارتباطی و تعاملی (از گفت و گو تا کنترل خشم و تا نحوه درست رفتار متناسب با موقعیت ها و اقتضائات میدانهای کنش)؛
۲. ایجاد آمادگی برای گفتن و شنیدن صریح انتقادات، تقویت زمینه های اعتماد عمومی؛
۳. ایجاد مراکز ستادی برای رصد مستمر اوضاع؛
۴. تقویت روح جمع گرایی، تقویت گروههای مرجع دارای اصالت و موقعیت ارزشی، تقویت محله ها (در دل شهرهای بزرگ)؛
۵. کاهش تصدی گری دولت در امور فرهنگی و واگذاری امور به سازمانهای مردم نهاد (همچون نهادهای فرهنگی، هیات مذهبی، تشکلات مدنی، هیئت های اندیشه ورز، مراکز حوزوی و دانشگاهی، و ...)
۶. بهره گیری حداکثری از ظرفیت های نهاد وقف و خیرین برای رفع مشکلات اقتصادی، تقویت زمینه های مشارکت داوطلبانه مردم در فعالیت های خیرخواهانه و نوع دوستانه (به جای منفعت طلبانه)؛
۷. ایجاد مراکزی برای برگزاری مجالس و نشست های عمومی (برای ابراز نظر آزاد در خصوص مسائل فرهنگی اجتماعی)؛
۸. ایجاد مراکز تفریحی و فراغتی قابل استفاده عموم (فضاهای مشاع)؛
۹. بهره گیری از ظرفیت رسانه های سنتی (منبر، گفت و گوهای قهوه خانه ای و...) برای تقویت ظرفیت های اجتماعی فرهنگ؛
۱۰. بهره گیری ضابطه مند از شبکه های اجتماعی؛
۱۱. تقویت امکانات و انگیزه ها برای ورزش همگانی؛
۱۲. مشارکت دغدغه مندر حل تعارضات خانوادگی، قومی، مذهبی و... با هدف تحکیم پیوندها؛
۱۳. تقویت عبادات و مناسک جمعی، تقویت سنت ها و رسوم فرهنگی تقویت کننده روح جمعی مثل نوروز، یلدا، ولیمه دهی به مناسبت های مختلف، جشن های عروسی، مجالس سوک؛
۱۴. ایجاد تعادل و توازن در جامعه (ترمیم شکاف ها و رفع تعارضات و تضادها)؛

۱۵. تقویت همبستگی اجتماعی و زمینه های آن؛

۱۶. اعطای آزادی به خرده فرهنگ ها؛

۱۷. تقویت زمینه های استقرار سبک زندگی دینی؛

۱۸. تقویت تعاونی ها و شرکت های سهامی کوچک و...

### پیشنهادات پژوهشی

۱. ضرورت انجام مطالعات و پژوهش های گسترده در مقیاس ملی با هدف اطلاع یابی توصیفی عمیق از کم و کیف روابط انسانی؛
۲. تشکیل هیات های اندیشه ورز برای تحلیل یافته ها و ارائه راهکارها؛
۳. تاسیس مرکزیتی ستادی برای پی گیری روند اجرایی سیاست ها؛
۴. استفاده از تجربیات کشورهای دارای وضعیت فرهنگی اجتماعی مشابه.

### جمع بندی

مطالعات انجام شده با موضوع آسیب شناسی روابط و مناسبات اجتماعی در جامعه ایران معاصر<sup>۱</sup>، در کنار مویذات فراوان برآمده از تجربه های زیسته آحاد جامعه تماما حکایت از ظهور و استمرار بی وقفه یک روند فرسایشی مهار ناپذیر در شبکه ارتباطات انسانی دارد. این وضعیت در سطح گروههای اولیه که به پیوندها و روابط عمیق عاطفی و تعاملات بی واسطه وابستگی وجودی دارند، محسوس تر و مشهودتر است. بروز این وضعیت هرچند در جوامع سکولار به عنوان پیامد عادی روند توسعه مدرن و وقوع

---

<sup>۱</sup> - جامع ترین مطالعه ای که اخیرا در این ارتباط صورت پذیرفته، رساله دکتری جناب احمد فرزانه از دانشجویان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است که به راهنمایی استاد صدیق اورعی و به روش گردند تئوری و با تکنیک مصاحبه (با نمونه ۱۱۰ نفری) در شهر مقدس مشهد به اجرا درآمده است. این پژوهش محققانه (که تاکنون دفاع نشده) با صراحت تمام و با ارائه شواهد بسیار گویا، ادعای فوق مبنی بر افول بی وقفه و شیب نزولی ارتباطات عاطفی و اخلاقی (کما و کیفا) در سطح گروههای اولیه را به اثبات رسانیده است. این وضعیت احتمالا در کلان شهرهای دیگر همچون تهران که در مقایسه از بافت سنتی، فضای مذهبی، دغدغه های متشرعانه و دواعی عرفی و محیطی ضعیف تری برخوردارند، با شدت و عمق بیشتری جریان دارد.

تحولات ساختاری؛ امری طبیعی و گریزناپذیر انگاشته می شود اما بی شک، وقوع حتی در صدی از آن در جامعه سنتی مذهبی ایران با مختصات ویژه و انتظارات بر آمده از انقلاب اسلامی مبنی بر ارتقای کیفی فرهنگ دینی و اخلاقی و اصلاح زیست جهان متناسب با آرمانهای ارزشی اسلامی؛ از پیشروی خاموش یک بحران و سونامی ویرانگر فرهنگی خبر می دهد. دولت اسلامی به اقتضای رسالت فرهنگی خویش نمی تواند در مقابل این سنخ تهی شدگی ها و زوال سرمایه های انسانی که اساس و بنیاد جامعه را به مخاطره می افکند، بی توجه باشد. از شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی استانها و سایر نهادها و سازمانهای فرهنگی مسئول انتظار می رود که راهکارهای فرهنگی متناسب را برای اصلاح این روند و حفظ و تقویت ارزش ها و هنجارهای اخلاقی که نقش محوری در ایجاد، تحکیم و استمرار ارتباطات و تعاملات انسانی دارد، تدارک بینند.